



قوانین مالیاتی

ابزاری در جهت رشد اقتصادی

نریمان ایلخانی

دوباره به دست آورد.

پس معلوم می‌گردد که قوانین مالیاتی نه تنها باید متضمن ایجاد درآمد جهت دولت باشد، بلکه باید در عین حال در جهت دیگر اهداف نیز قرار داشته باشد و یا حداقل به طور ملموسی در تضاد با آن هدفها نباشد. هدفهای دیگری که در یک سیستم مالیاتی باید قطعاً در نظر قرار گیرد استفاده از مالیات به عنوان عاملی در جهت تعدیل ثروت است. همچنین مالیات باید به عنوان عاملی در جهت توسعه اقتصادی مورد توجه واقع شود. یک سیستم مالیاتی علاوه بر این هدفها باید دارای مشخصه‌های اساسی دیگری نیز باشد که آن، قابلیت وصول سریع و قابلیت به اجرا درآمدن آسان با حداقل هزینه است. قوانین مالیاتی می‌باید همانند هر قانون دیگری کمتر امکان تفسیر داشته باشد و با در نظر گرفتن اهداف آن به آسانی مورد استفاده قرار گیرد. همچنین همانند هر قانونی باید جامع (دربرگیرنده کلیه جوانب) بوده و در آن نکات و یا مواد متضاد وجود نداشته باشد.

مالیات، زمانی که به عنوان اهرمی برای توسعه اقتصادی به کار گرفته می‌شود، در زمینه‌های مختلف متفاوتی می‌تواند به کار آید. می‌توان از آن به عنوان مشوق سرمایه‌گذاری و پس‌انداز استفاده

و آبروی مملکت تشبیه کرده‌اند و فرموده‌اند که از یک ملک ویران نمی‌توان مالیات گرفت، و چنانچه مالیات به مقتضای ثروت کشور و درآمد سال دریافت شود هم مؤدی خرسند و هم مملکت توانگر خواهد شد.^۱ عبارت مذکور که ۱۳۰۰ سال پیش بیان شده، بدرستی می‌تواند شعار هر سیستم مناسب مالیاتی باشد. تأثیر مالیات و سیاستهای مالیاتی بر امور اقتصادی برای همگان روشن است. کشوری مانند ژاپن، در قرن نوزدهم توانست با اتخاذ یک سیاست مالیاتی مناسب، از یک کشور به نسبت عقب‌مانده به قدرتی جهانی مبدل شود.^۲ در نقطه مقابل آن نیز می‌توان مصر باستان را در نظر گرفت. کشور مصر از قرون بسیار دور جایگاه ویژه‌ای در میان ملل متمدن داشته و از تمدن بسیار شکوفایی برخوردار بوده است. در زمان سلطه یونانیان و سپس رومیان بر مصر، آن مملکت به صورت مستعمره‌ای درآمد و به انبار غله امپراتوری بزرگ آنان مبدل شد. سیاست مالیاتی حکام وقت آن دیار به گونه‌ای بود که کل درآمدهای مالیاتی به جای آنکه صرف آبادی و آبادانی شود به خارج از آن سرزمین برده شد و این امر باعث گردید که مملکت به مرور فقیر و فقیرتر گشته و هیچگاه نتواند جایگاه پیشرفته قبلی را

۱- مالیات یکی از مسائل مهم اقتصادی هر جامعه است. قوانین مالیاتی از جمله قوانین مادر در زمینه‌های اقتصادی محسوب شده و شاید مهمترین رکن اعمال سیاستهای اقتصادی دولت است و همگان در حساسیت این امر اتفاق نظر دارند.

در قرآن مجید شارع مقدس تکیه بسیاری بر این امور دارد. اگرچه در قرآن، این مسئله به صورت مستقیم و یا با لفظ مالیات بیان نشده است. اما می‌توان از معادل آن، زکات و یا خمس و غیره همین معنا را استفاده کرد. در قرآن آیاتی که به زکات و لزوم اخذ و وجوب پرداخت آن دلالت دارد بسیار است. پرداخت زکات در بسیاری از موارد همراه با نماز به عنوان مشخصه اصلی مؤمنین بیان شده است.^۱ حضرت امیرالمؤمنین در فرمان مشهوری که جهت مالک اشتر صادر فرمودند و او را به زمامداری سرزمین مصر منصوب کردند، دارای را به روح ملت

۱- طبقات آیات قرآن مجید. ۲- نهج البلاغه حضرت علی علیه السلام: نامه حاوی فرمان آن حضرت به مالک اشتر نخعی.

قوانین مالیاتی؛ ابزاری در جهت رشد اقتصادی

نرخ مالیاتی نمی تواند کارساز باشد. مالیات بر درآمد، به علت آنکه درآمد اشخاص حقیقی خارج از یک سیستم مناسب اطلاعاتی قرارداد بدترستی قابل برآورد و تشخیص نیست و نمی توان انتظار داشت در کوتاهمدت بتواند نقش بارزی را عهده دار شود.

در مورد مالیات شرکتهای، مالیاتی که از این محل در ایران گرفته می شود به نسبت زیاد است. در کشورهای عمده صنعتی نرخ مالیاتی شرکتهای معمولاً ثابت و بین ۳۰ الی ۵۰ درصد درآمد شرکت است. در ایران سیستم مالیات شرکت به دنبال سیستم مالیات از اشخاص حقیقی قرار گرفته است و اصولاً تفاوتی از این بابت بین شخص حقیقی و حقوقی قائل نیست.

قانون مالیاتهای مستقیم برای اندوخته کردن درآمد شرکتهای هیچ گونه مزایایی قائل نیست، بلکه چنانچه شرکت دارای سهامداران عمده و جزء باشد اندوخته کردن در شرکت به ضرر سهامداران جزء خواهد بود و لذا تمایل این است که ترجیحاً تمامی سود تقسیم شود. قانون مالیاتی هیچ گونه امتیازی برای ایجاد و یا خرید دارایی و یا سرمایه گذاری بر روی آن (به استثنای یک مورد) قائل نیست. همچنین برای سرمایه گذاری به جهت افزایش موجودی کالا و کلاً برای تورم هیچ گونه امتیازی نمی شناسد. اگر شرکتی از بانک برای خرید دارایی وام بگیرد شرکت می تواند هزینه آن را به عنوان هزینه مورد قبول مقامات مالیاتی به حساب آورد، در صورتی که اگر از دیگران همین وام گرفته شود و یا از صاحبان سهام به عنوان افزایش سرمایه همین مبلغ اخذ گردد، سودی که به آن تعلق می گیرد مشمول مالیات خواهد بود.^{۱۵} جمیع این عوامل باعث می شود شرکتهای به سوی تقسیم حداکثر منافع، عدم سرمایه گذاری بر روی ماشین آلات و موجودیهای تولیدی و اخذ وام از سیستم بانکی روی آور شوند. در دیگر کشورهای سیستم مالیاتی برای خرید داراییهای ثابت همان ارزش انجام هزینه را قائل است، یعنی به جای آنکه آن را به مرور مستهلک نماید یکجا مستهلک می کند.^{۱۶} بابت افزایش موجودیها معافیت قائل است. سیستم مالیاتی جایی برای احتساب تورم دارد. و تجدید ارزیابی داراییهای ثابت رابه رسمیت می شناسد و لذا عملاً آنها زمانی که شرکت سود تقسیم می کند مشمول مالیات است و یا بخش اعظم مالیات را می باید در آن زمان پرداخت. در ایران هم می توان از همین نظریه پیروی کرد و به جای آنکه سود شرکت مشمول مالیات باشد درآمد

می باید از سیستم مالیاتی کارایی استفاده شود. کسر بودجه اگر با استقرار از سیستم بانکی و یا به عبارت دیگر جاب اسکناس جبران شود باعث ایجاد تورم در جامعه می شود. اگر چه این روش ساده ترین راه جبران کسری بودجه است، لیکن عوارض ناشی از تورم و کاهش ارزش برابری ریال خود به ناسامانی های بیشتر اقتصادی خواهد انجامید که جبران آن به تلاشهای بسیاری نیاز دارد. روش دیگر جبران کسری بودجه فروش اموال دولتی اعم از ملک و سهام و ارز و طلا و دیگر امکانات است که اگر چه در کوتاهمدت کمک کننده است، لیکن در بلند مدت باسخگون خواهد بود. کنترل هزینه های دولت می تواند بسیار مؤثر باشد. چنانچه هزینه ای بدون توجه به باز یافت اقتصادی آن انجام شود مطمئناً بدترستی خرج نشده و اگر در آن صرفه جویی شود در کل اقتصاد نتایج بهتری را عاید خواهد کرد. چنانچه از مالیات به عنوان ابزاری برای افزایش درآمد دولت استفاده کنیم و در عین حال بخواهیم که مالیات مذکور به توسعه اقتصادی لطمه نزند چگونه باید عمل کنیم. مالیات را می توان از طریق افزایش نرخ و ضرایب سیستم مالیاتی موجود، در بر گرفتن تعداد بیشتری از مالیات دهندگان و یا پیش بینی انواع جدیدی از مالیاتها، افزایش داد. نرخ مالیاتی در حال حاضر به نسبت بسیار بالاست، بویژه آنکه با در نظر گرفتن تورم تأثیر آن بیشتر شده است. اصولاً در کشورهای صنعتی در دهه ۱۹۸۰ از نرخهای بالای مالیاتی، به دلیل تأثیرگذاری منفی بر کارایی افراد، کاسته شده است. پس افزایش بیشتر

می شود و شرکتهای خصوصی سهم به مراتب کمتری در این جریان دارند (به استناد بودجه سال ۱۳۶۶ تنها ۱۴٪) با این حال، همین سهم کمتر در مقایسه با مالیات شرکتهای کشورهای صنعتی قابل قیاس است و نشان می دهد که مالیات بر شرکتهای دارای قابلیت وصول و تأثیرگذاری بیشتری است.

مالیات بر اموال، بدون در نظر گرفتن مالیات تعاون ملی عملاً بسیار ناچیز است و حدود ۲ الی ۳٪ از کل مالیات را تشکیل می دهد. در مورد مالیات تعاون ملی که مالیاتی مقطعی است و برای وصول مبلغ ۵۶۰ میلیارد ریال طراحی شده است،^{۱۱} در سال اول یعنی سال ۱۳۶۸ وصول مبلغ ۲۵۵ میلیارد ریال پیش بینی شده که تنها در عمل توانسته مبلغ ۱۰ میلیارد ریال را وصول کند، یعنی حدود ۴٪ از بودجه وصول شده است.^{۱۳}

مالیات حقوق تقریباً با دیگر کشورهای برابر می کند و در صورتی که قانون در مورد ضرایب مالیاتی ثابت بماند، به علت افزایش حقوق ناشی از تورم این مالیات حتی می تواند سهم بیشتری را به خود اختصاص بدهد. نرخهای بالای مالیاتی در مقایسه با سایر کشورهای نسبتاً بالاتر است.

مالیات بر مصرف و فروش اگر چه در حد دیگر کشورهاست، لیکن مالیات مذکور شامل مالیات بر سیگار، نفت، اتومبیل، نوشابه و غیره است و بسیار با سیستم مالیات بر مصرف و یا فروش در دیگر کشورهای تفاوت دارد.

با توجه به مطالب فوق می توان نتایج زیر را در رابطه با مقایسه مالیات با سایر منابع درآمد دولت و نیز ترکیب مالیات ایران در مقایسه با ترکیب مالیات در سایر کشورهای عمده صنعتی به دست آورد.

- ۱- مالیات در کل درآمد دولت رقمی کمتر از ۴۰٪ را در بهترین سالها تشکیل داده است.
 - ۲- مالیات بر درآمد که در کشورهای صنعتی درصد بالایی را تشکیل داده در ایران درصد پائینی دارد.
 - ۳- مالیات بر شرکتهای در ایران بیش از میانگین آن در سایر کشورهای صنعتی است.
 - ۴- مالیات بر اموال در ایران تقریباً نزدیک به صفر است.
 - ۵- مالیات حقوق، مالیات بر مصرف و فروش و سایر منابع مالیاتی نسبتهای مشابهی با سایر کشورهای را تشکیل می دهد.
- مشخص است که به منظور کاهش اتکای درآمدهای دولت به نفت و نیز کاهش کسر بودجه که در برخی از سالها از کل درآمد بیشتر بوده است،^{۱۴}

(وصولی) هر سهامدار از شرکت مشمول مالیات قرار گیرد. در این صورت بسیاری از مشکلات قانون مالیاتی منتفی می شود و تنها مالیات درآمد واقعی افراد است که مشمول مالیات قرار می گیرد و می باید بدرستی شناسایی شود.

به این ترتیب روشن می گردد که به منظور افزایش درآمد های مالیاتی نمی باید فشار بیشتری متوجه شرکتها باشد و لذا لازم است به فکر ایجاد منابع جدید مالیاتی بود. یکی از این منابع، مالیات ارزش افزوده است. این مالیات در بسیاری از کشورهای صنعتی رایج است و عملاً بار مالیاتی مستقیماً از تولید کننده به مصرف کننده منتقل می شود. مکانیزم آن به این شکل است که فروشنده گان درصد کمی به عنوان مالیات فروش بر روی کالای خود اضافه می کنند و مجموع مالیات و نرخ اصلی کالا از خریدار وصول می شود. شرکت موظف است طی مدتی محدود، مثلاً یک ماه، مالیات وصول شده را به وزارت دارایی باز پرداخت کند. ضمناً مالیاتی را که شرکت به این ترتیب، هنگام خرید کالا متحمل شده می توان از مالیات وصول شده هنگام فروش کالا کسر کرد و مازاد را به دارایی پرداخت کرد.^{۱۷} یعنی اگر کالایی خریداری شده باشد به مبلغ مثلاً ۱۰۰ ریال و بابت آن ۱۰٪ مالیات هم پرداخت شده باشد، یعنی کلاً ۱۱۰ ریال بابت خرید آن پول پرداخت شده باشد و به مبلغ ۱۲۰ ریال، به انضمام مالیات مربوط به آن یعنی ۱۲ ریال و جمعاً ۱۳۲ ریال به فروش برسد، فروشنده موظف است تنها مالیات ارزش افزوده به مبلغ ۲ ریال را به خزانه بپردازد. در این سیستم مالیاتی، تنها مصرف کننده نهایی پرداخت کننده اصلی مالیات است و لذا مصرف بیشتر جریمه شده و پس انداز تشویق می گردد.

درآمدی که از این راه عاید دولت می شود، اگر نرخ مالیات را ۱۰٪ فرض کنیم، به حدود ۱۵۰۰ میلیارد ریال می رسد. این درآمد حدود کل درآمد مالیاتی دولت است. (برای محاسبه مبلغ مذکور فروش شرکتهای خصوصی در مجموع معادل شرکتهای دولتی فرض شده و بابت فروش بین شرکتهای ۲۰٪ کسر شده و از فروش مؤسساتی که به صورت «شرکت» اداره نمی شوند. کلاً صرف نظر شده است).

از نکات منفی این سیستم اخذ مالیات، خاصیت تورمی بودن آن است. یعنی به محض آنکه احساس شود ۱۰٪ بر روی تمامی کالاها افزوده می شود تورم حداقل ۱۰٪ افزایش خواهد یافت. در

جامعه ما تورم به دلیل کسر بودجه دولت و انتشار بیش از حد اسکناس ایجاد شده است و اصولاً مکانیزم کنترل قیمتها نمی تواند در بلندمدت پاسخگوی نیاز دولت باشد، بویژه آنکه این مکانیزم با افزایش سریع حجم پول همراه باشد. اگر حجم پول از یک سو کنترل شود، مطمئناً تأثیر تورم هیچ گاه تا آن حد نخواهد بود و در مقابل حجم درخور توجه درآمدی که برای دولت ایجاد می کند، افزایش چند درصد نرخ تورم بهای بسیار کمی است که پرداخت می شود.

سیستم دیگری که دولت می تواند از آن برای ایجاد درآمد مالیاتی استفاده کند یک سیستم مالیات بر اموال است. مالیات بر اموال تقریباً مشابه مالیات تعاون ملی است، لیکن به جای آنکه تنها یک بار پرداخت شود سالانه محاسبه می شود. نرخ این مالیات می باید بسیار پایین باشد، یعنی مثلاً ۱٪ ارزش اموال را شامل شود. این مالیات می تواند بر روی زمین، ساختمان، مزارع، باغها، سرقفلی و دیگر اموال غیر منقول و همچنین بر روی اموال منقول از قبیل اتومبیل موجودی نزد بانکها، موجودی کالای فروشگاهها و غیره استوار باشد و با سهام کارخانه ها را دربر گیرد. به این ترتیب حجم درخور توجهی را شامل می شود و چون نقل و انتقال اغلب این اموال تحت کنترل است می توان به وصول آن اطمینان داشت. حجمی که این مالیات می تواند برای دولت عاید کند بسیار چشمگیر است و مطمئناً می تواند براحتمال از کل وصولی دولت در حال حاضر بیشتر شود.

این مالیات به تشکیلات اندکی برای وصول نیاز دارد. یعنی مالیات زمین و ساختمان و اتومبیل و نظایر آن را می توان همراه عوارض سالانه که فعلاً اخذ می شود وصول کرد. در مورد وجه نقد این امر توسط بانکها انجام خواهد گرفت و در مورد ارزش سهام، شرکتها موظف به پرداخت مالیات آن خواهد بود.

مالیات بر اموال از جهات زیر دارای اهمیت است. اولاً در جهت کاهش تورم عمل می کند. زیرا معطل نگاه داشتن اموالی که به منظور افزایش قیمت آینده در دست افراد قرار دارد گران تمام می شود و همین امر عاملی خواهد بود که حجم کالای بیشتری جهت عرضه در بازار موجود باشد و لذا وقتی عرضه به نسبت بالا رود بازار متعادلتر شده، از شدت افزایش قیمتها کاسته خواهد شد.

مالیات بر اموال چون دارای نرخ ثابتی است و از درآمد حاصل از آن دارایی مستقل است، هر قدر از دارایی بتوان استفاده بهتری کرد، از تأثیر مالیات

کاسته می شود و در مقابل چنانچه دارایی معطل و بلااستفاده بماند، مالک دارایی می باید تمامی مالیات را از منابع دیگر جبران کند. این امر باعث می شود از داراییها و اموال بهترین استفاده به عمل آید و بهترین بازده کسب گردد و چنانچه انتظار نرود که این بازده در مدت زمان معقول و کوتاهی به دست آید، دارایی مذکور می باید برای فروش به دیگران عرضه شود.

مشکلی که این سیستم و یا هر سیستم دیگر مالیات بر اموال داراست، نحوه اختیاری و نه چندان اصولی تعیین قیمت اموال است. این مسئله اگر چه در نظر اول بسیار مهم و یا غیرممکن و حل ناشدنی به نظر می رسد، در بررسی بیشتر به این نتیجه می انجامد که اختلاف قیمت تأثیر فاحشی نداشته، بلکه در جهت کارایی بیشتر نیز عمل می کند. مثلاً فرض شود که اتومبیل پیکان مدل ۱۳۶۰ مبلغ ۵ میلیون ریال ارزیابی شده و باید سالانه یک درصد قیمت، یعنی ۵۰ هزار ریال مالیات بابت آن پرداخت شود. چنانچه این اتومبیل به دلیل نگهداری مناسب مبلغ ۶ میلیون ریال ارزش داشته باشد نسبت مالیات اموال برای آن کمتر می شود و چنانچه به دلایل مختلف، مثلاً مبلغ ۱ میلیون ریال ارزش داشته باشد این بار مبلغ مالیات به ۵٪ افزایش می یابد و لذا مالک آن سریعتر تمایل به فروش آن را پیدا می کند و با سعی در بهبود آن خواهد کرد.

در نتیجه سیستم مالیاتی کنونی که بر پایه احتساب درآمد استوار است به نارسایی های بسیاری دچار است و حتی در برخی از موارد به جای استفاده از درآمد برای تعیین مالیات از عوامل دیگر برای انجام این امر استفاده می شود (زمانی که درآمد به طور علی الراس تعیین می شود). لذا می توان بسادگی کل سیستم تعیین و وصول مالیات را بر روی عوامل دیگری از قبیل میزان فروش و یا دارایی استوار کرد. از این راه، هم درآمد بیشتری عاید خزانه می گردد و هم از تأثیر اقتصادی منفی که به خودی خود در سیستم مالیات بردارنده وجود دارد جلوگیری می شود. ●

۱۲- مذاکرات مجلس در مورد تصویب قانون تعاون ملی در «روزنامه رسمی».

۱۳- قانون بودجه سال ۱۳۷۰ و جداول ضمیمه.

۱۴- قانون بودجه سال ۱۳۶۸ و جداول ضمیمه.

۱۵- قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفندماه ۱۳۶۶.

۱۶- مانند قوانین انگلستان.

۱۷- مأخذ شماره ۱۵.